

## Pathology of Whistleblowing Phenomenon in Virtual Social Networks

**Reza Ghaderi**

Ph.D Student, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran, rezaghaderi62@yahoo.com

**Jamal Beigi**

Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

**Fateme Ahadi**

Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran, Fateme\_ahadi@iau-maraghaeh.ac.ir

### Keywords:

Disclosure, Social Networks, Virtual Space, Public Reporting

### Abstract

The increase in crimes and corruption in organizations has become one of the global concerns due to the alarming consequences. Using public capacity and public reporting to discover, identify and deal with crimes and corruption in the form of disclosure is one of the effective solutions. The purpose of this research is the pathology of disclosure in virtual social networks. The present research was carried out with a descriptive-analytical method and the use of library resources by studying the research done in this field. The findings of the research show that the disclosure that used to be done systematically and by the whistleblower guild with the emergence of social networks due to features such as ease of access, large number of audiences, anonymity of users, lack of media literacy of users and lack of validation. Data from users has given rise to second-generation disclosures. The results of the research show that the damages of the disclosure phenomenon are divided into the layers of the whistleblower, users, and the platform of social networks. Users' lack of ability to manage data, lack of understanding of the realm of privacy in social networks, republishing fake news and affecting security are some of these damages. Therefore, the new systematization of the phenomenon of disclosure in social networks can be achieved by considering the improvement of the transparency principle, strengthening the free flow of information and expanding the culture of disclosure..



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

## آسیب شناسی پدیده افشاگری در شبکه‌های اجتماعی مجازی

### رضا قادری

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

### جمال بیگی

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

### فاطمه احدی

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳ آذر ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۷ بهمن ۱۴۰۱

### چکیده

افزایش جرایم و مفاسد در سازمان‌ها به علت پیامدهای نگران‌کننده به یکی از دغدغه‌های جهانی تبدیل شده است. استفاده از ظرفیت همگانی و گزارش دهی عمومی برای کشف، شناسایی و مقابله با جرایم و مفاسد در قالب افشاگری یکی از راهکارهای موثر است. هدف این پژوهش آسیب شناسی افشاگری در شبکه‌های اجتماعی مجازی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای با مطالعه پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه صورت پذیرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، افشاگری که در سابق به صورت نظام مند و توسط صنف افشاگران صورت می‌پذیرفت با ظهور شبکه‌های اجتماعی به جهت ویژگی‌هایی چون سهولت دسترسی، کثرت مخاطبان، گمنامی کاربران، عدم سواد رسانه‌ای آحاد کاربران و عدم اعتبارسنجی داده‌ها از سوی کاربران باعث ظهور افشاگری نسل دوم شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد آسیب‌های پدیده افشاگری در لایه‌های افشاگر، کاربران و بستر شبکه‌های اجتماعی تقسیم بندی می‌گردد. عدم توانایی کاربران بر مدیریت داده‌ها، عدم فهم قلمرو حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی، بازنشر اخبار جعلی و اثرگذاری بر امنیت از این آسیب‌های می‌باشد. بنابراین نظام مند کردن نوآندیشیده از پدیده افشاگری در شبکه‌های اجتماعی با مد نظر قرار دادن ارتقا ضریب تحقق اصل شفافیت، تقویت گردش آزاد اطلاعات و گسترش فرهنگ افشاگری می‌تواند محقق گردد.

**کلید واژه‌ها:** افشاگری، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی، گزارش دهی عمومی.

## مقدمه

با پیچیده شدن مناسبات سازمان های دولتی و خصوصی، جرایم و تخلفات آنها چهره جدیدی به خود گرفته است، اغلب مرتکبان کارفرمایان، صاحب منصبان و کارمندان سازمان می باشند که ظرفیت جنایی بالایی دارند. بر همین اساس کشف، شناسایی و تعقیب آنها را مشکل نموده است. نظارت های رسمی سستی با داشتن معیبهی مانند کمبود نیروی انسانی مجرب، پرهزینه بودن، امکان تبانی بازرسان با مرتکبان جرایم، موجب عدم تعقیب مجرمان و مفسدان می شود. امروزه جمع سپاری نظارت و استفاده از ظرفیت مشارکت جامعه مدنی تحت عنوان افشاگری برای کشف و شناسایی جرایم و مفساد در سازمان ها مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.

افشاگر عضو فعلی یا سابق یک سازمان است که از تخلفات و جرایم درون سازمان مطلع می باشد و با در نظر گرفتن منافع عمومی و ترجیح آن بر منافع سازمانی و شخصی، اقدام به افشاء اطلاعات جرایم به افرادی خارج از سازمان اعم از رسانه ها، احزاب، مسئولان قضایی و شهروندان می نماید. در گذشته افشاگری از طریق رسانه ها و روزنامه نگاران تحقیقی صورت می گرفت. در این نوع افشاگری، افشاگر اطلاعات به دست آمده از مفساد و جرایم را در اختیار روزنامه نگاری مورد اعتماد قرار می داد و وی اقدام به نشر آن در جامعه می نمود. با ظهور و گسترش شبکه های اجتماعی مجازی و استفاده سرسام آور مردم جهان از این فضا افشاگری وارد مرحله ای جدید گردید که به افشاگران نسل دوم معروف می باشد. شبکه های اجتماعی مجازی با داشتن ویژگی های منحصر به فردی چون دسترسی سریع و آسان، قدرت انتشار بالا، کثرت مخاطبان، گمنامی کاربران و امن بودن مورد توجه افشاگران قرار گرفته است.

با مروری با پژوهش های پیشین مشاهده گردید، گنجعلیخانی، کمالی و شیخ زاده جوشانی (۱۴۰۱) مقاله ای تحت عنوان «مقایسه نقش و چالش های سازمان های مردم نهاد در افشای موارد فساد در ایران و سوئد»، نواده توپچی و میرزازاده (۱۴۰۱) مقاله ای تحت عنوان «تاثیر حقوق بشر در مبارزه با فساد»، محسنی (۱۴۰۰) مقاله ای تحت عنوان «پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران»، دودانگه، ایزدی و قاسمی (۱۴۰۰) در مقاله ای تحت عنوان «علت شناسی مفساد کلان اقتصادی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی با نگاهی به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد»، (Hermawan) (2023) در مقاله ای تحت عنوان «تاثیر ساختار مالکیت و افشاگری بر افشای کلاهبرداری با اندازه شرکت به عنوان متغییر تعدیل کننده»، (Olesen) (2019) در مقاله ای تحت عنوان «سیاست افشاگری در جوامع دیجیتالی شده»، (Popielec) (2019) در مقاله ای تحت عنوان «از ادوارد اسنودن (Edward Snowden) تا کریستوفر ویلی (Christopher Wylie): چهره افشاگران نسل دومی» (Baltaci & Balci) (2017) مقاله ای تحت عنوان «دلایل افشاگری: یک مطالعه کیفی» کارهای ارزشمندی انجام داده اند ولی خلاء آسیب شناسی پدیده افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی دیده می شود، پژوهش حاضر از این نظر که به آسیب شناسی این موضوع پرداخته است دارای نوآوری می باشد.

این پژوهش در تلاش است با مطالعه پدیده افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی، آسیب های آن را شناسایی و با ترسیم راهکارهای نوآندیشیده به منظور بهبود و ارتقای فرهنگ افشاگری راهبردهایی را ارائه نماید. هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سوال است که آسیب های پدیده افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی کدامند؟

## ۱. مفهوم شناسی پژوهش

گفتار پیش رو متمرکز بر مفاهیم اساسی در خصوص افشاگری و شبکه های اجتماعی مجازی است.

### ۱-۱. مفهوم شناسی افشاگری

«مفهوم افشاگری<sup>۱</sup> برای توصیف اقدام های فردی که اطلاعات سازمان خود را در زمینه جرایم و تخلفات افشا می کند، مورد استفاده قرار می گیرد. کلمه افشاگر<sup>۲</sup> به معنی، شخصی است که اقدام به سوت زنی می کند و هر گونه اطلاعات یا اقدام های غیرقانونی، غیر اخلاقی درون سازمان را عمومی می کند، می باشد.» (Bernier, 2012: 1). عبارت سوت زدن در قرن نوزدهم به واسطه استفاده از سوت برای هشدار به مردم یا پلیس، به مجریان قانون مرتبط گشت (محسنی، ۱۴۰۰: ۲۶۰). رالف نادر، افشاگر را هر شخصی که منافع عمومی را بر منافع شخصی و سازمانی ترجیح دهد و اقدام به افشاگری فساد و رفتارهای غیرقانونی درون سازمانی نماید، معرفی کرده است (Vandekerckhove, 2012: 1). بنابراین افشاگری اینگونه تعریف می شود: اقدامی آگاهانه و اختیاری که توسط اعضای سازمان (سابق یا فعلی) که اعمال غیراخلاقی، غیرقانونی و نامشروع در سازمان را به افراد واجد قدرت برای تغییر روند فعلی سازمان افشاء می کنند. افشاگری بر چهار عامل استوار است: ۱- اقدام فردی است که با قصد عمومی کردن اطلاعات جرایم و تخلفات صورت می پذیرد. ۲- اطلاعات مربوط به جرایم و تخلفات به افراد خارج از سازمان منتقل می شود تا نسبت به عمومی کردن و رسیدگی قضایی اقدام نمایند. ۳- اطلاعات مربوط به جرایم واقعی و در سطح کلان در یک سازمان می باشد. ۴- افشاگر یک روزنامه نگار نمی باشد، بلکه یک عضو فعلی یا سابق سازمان می باشد (Salove, 2014: 601).

### ۲-۱. فرایند افشاگری

برای تبیین فرایند افشاگری تشریح فعالیت کنشگران این پدیده مهم می باشد. افشاگر باید به این تشخیص برسد که عملی که مشاهده کرده است، نوعی عمل غیرقانونی، غیراخلاقی و نامشروع است، سپس تصمیم بر افشاگری می گیرد. افشاگر فرد واجد شرایط دریافت اطلاعات جرایم و مفاسد را شناسایی کرده و بستگی به اینکه افشاگری داخلی یا خارجی باشد، متفاوت است. جایگاه دریافت کننده اطلاعات در کسب نتیجه مطلوب تاثیرگذار است. متولیان سازمان دو رویکرد را می توانند دنبال کنند، یا تصمیم بر پیشگیری و متوقف کردن تخلفات بگیرد، یا اینکه به عمل اشتباه ادامه دهد. همچنین نوع واکنش نسبت به فرد افشاگر نیز در این مرحله بسیار حیاتی می باشد. امکان دارد سازمان فرد افشاگر را با برچسب های طرد کننده مثل مخبر، خبرچین، جاسوس خطاب قرار دهد و عدم وفاداری وی را به سازمان مطرح نماید و اقدامات تلافی جویانه را نسبت به وی و خانواده ایشان اعمال نماید، یا اینکه افشاگر را به عنوان مصلح اجتماعی و یک قهرمان در نظر بگیرد (Dsgupta & kesharwani, 2010: 3).

### ۳-۱. گونه شناسی افشاگری

افشاگری را می توان در شش نوع، خارجی، داخلی، بی نام، با نام، رسمی و غیر رسمی دسته بندی کرد (Park, 2009: 456). اگر اطلاعات جرایم و فساد سازمانی به افراد درون سازمان اعم از کارفرما، رئیس یا مدیر، نهادهای نظارت رسمی درون سازمانی مثل بازرسان یا ناظران ارائه شود، افشاگری داخلی نامیده می شود. اما اگر افشاگر اطلاعات به دست آمده از موارد غیرقانونی را به افراد یا نهادهایی در خارج از سازمان ارائه نماید، افشاگری خارجی اتفاق است (داسگوپتا و کشاروانی، ۲۰۱۰، ۲). افشاگری داخلی

<sup>۱</sup> Whistleblowing

<sup>۲</sup> Whistleblower

فرصت بازسازی اقدام نامتعارف را فراهم نموده و چالش‌ها را درون سازمان برطرف می‌نماید، اما سویه منفی نیز دارد، با افشاگری داخلی سازمان می‌تواند بدون حرکت در مسیر اصلاح، افشاگر را با اقدام‌های تلافی‌جویانه از سر راه بردارد و در نتیجه روند مجرمانه ادامه یابد. افشاگری ناشناس زمانی اتفاق می‌افتد که افشای علنی اطلاعات مربوط به جرم و فساد اتفاق می‌افتد ولی در عین حال هویت افشاگر پنهان می‌ماند و حتی در صورت مشکوک بودن به هویت افشاگر، این موضوع قابل اثبات نباشد (Agrikola, 2023: 685). افشاگری ناشناس هزینه جرایم و فساد را در سازمان‌ها افزایش می‌دهد و احتمال شناسایی افشاگر به حداقل می‌رسد. با در نظر گرفتن مفهوم افشاگری ناشناس در مقابل آن، اگر افشاگر با هویت اصلی خود و آشکار کردن آن اقدام به افشاگری نماید، به افشاگری با نام شهرت دارد (Robinson, 2012: 216) زمانی که افشاگران از خطوط ارتباط استاندارد یا پروتکل‌های رسمی سازمانی، جرایم و مفاسد را گزارش نمایند، به آن افشاگری رسمی گفته می‌شود. از سوی دیگر، افشاگری غیر رسمی به افشاگری اطلاق می‌شود که فرد افشاگر از طریق راه‌های غیر ارتباطی غیر رایج و متداول دست به افشاء اطلاعات سازمانی بزند (Wozir & Yurtkoru, 2017: 529).

#### ۴-۱. شبکه‌های اجتماعی مجازی<sup>۱</sup>

در لغت، سایبر<sup>۲</sup> در معنای مجازی و غیر ملموس به کار رفته است که مترادف کلمه مجازی<sup>۳</sup> در زبان انگلیسی می‌باشد. سایبرنتیک دارای ریشه یونانی از کلمه ای به معنی سکاندار می‌باشد (سیمبر و صبوری، ۱۳۹۶: ۱۹۶). گسترش فضای مجازی، همراه با ایجاد ابزارهای ارتباطی مجازی جدید مانند تلفن‌های همراه، شبکه‌های اجتماعی می‌باشد (عاملی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). شبکه‌های اجتماعی گروهی از برنامه‌های کاربردی را شامل می‌شود که در بستر اینترنت و بر پایه فناوری وب ایجاد شده‌اند و امکان ایجاد و تبادل محتوای تولید شده توسط کاربر را دارند (Olanrewaju, 2020: 91). شبکه‌های اجتماعی مجازی مجموعه‌ای از فناوری‌های دیجیتال مبتنی بر نرم‌افزار است که محیط‌های دیجیتالی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد و کاربران در این فضا می‌توانند محتوا یا اطلاعات را از طریق نوعی شبکه‌های اجتماعی آنلاین ارسال و یا دریافت نمایند. پلتفرم‌های اصلی شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام، توییتر و تلگرام می‌باشند (Appel, 2019: 80). شبکه‌های اجتماعی با گسترش جهانی از درون مرزهای جغرافیایی عبور کرده و با ایجاد ارتباطات خصوصی در کل فضای سایبر، از کنترل مراجع قدرت و دولت‌ها خارج شده و عرصه بی‌بدیلی در ارتباطات فراهم آورده است و به یک ابزار نظارتی قوی تبدیل شده است (میمنت آبادی و اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۱۸۴). هدف از ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی سازماندهی گروه‌های اجتماعی مجازی برای دستیابی به اهداف مشترک سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دنیای واقعی، گسترش مشارکت‌های مدنی، اشتراک‌گذاری محتوای قابل استفاده توسط اعضا این شبکه‌های می‌باشد (Lai & Turban, 2008: 378). شبکه‌های اجتماعی افراد را تا حد زیادی قادر می‌سازد تا در فعالیت‌های آنلاین شرکت کنند. کاربران در شبکه‌های اجتماعی هم می‌توانند مصرف‌کننده منفعل محتوا باشند هم می‌توانند تولیدکننده فعال محتوا باشند (Tang, Chang & Liu, 2014: 20).

<sup>۱</sup> Social Networks  
<sup>۲</sup> Cyber  
<sup>۳</sup> Virtual



## ۵-۱. افشاگران مجازی؛ نسل دوم افشاگران<sup>۱</sup>

جامعه شبکه ای مانوئل کاستلز (۱۹۹۶) جامعه شبکه ای را محصول یک انقلاب فناوری اطلاعات گسترده با سازماندهی سلسله مراتب اطلاعاتی تعریف کرده است که در آن جریان های دیجیتالی، اطلاعات را می توان به صورت فوری در رسانه های جمعی و شبکه های ارتباطی به اشتراک گذاشت. جامعه شبکه ای نوع افرادی را که می توانند افشاگر باشند را نیز تغییر داده است (Salvo, 2016: 585). اطلاعات منتشر شده باعث ایجاد بحث بین المللی با مشارکت سیاستمداران، رسانه ها و جامعه جهانی شد. موضوعات مهمی چون نظارت، امنیت ملی، احترام به حقوق شهروندی، اخلاق سیاستمداران، نگرش رسانه ای و حضور افشاگران در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفت (Popielec, 2019: 40). Beckett (2012) در خصوص ورود افشاگری به فضای سایبر می نویسد: در سال های اخیر، شاهد ظهور طیف نوینی از ابتکارات افشاگران بودیم، افشاگری های تحت وب که استفاده از ابزارهای فناورانه در بستر فضای مجازی و سایبر نقش بسزایی را ایفا می کنند. پس از افشای اطلاعات منتشر شده توسط سایت ویکی لیکس<sup>۲</sup>، افشاگری مجازی در پیشانی مباحث عصر شبکه ای قرار گرفت. با ظهور شبکه های اجتماعی، شکل جدیدی از افشاگری جریان پیدا کرده است که با انتشار دیجیتالی در شبکه های اجتماعی و فضای مجازی رخ نموده است (Touchton, 2020: 1). این شبکه ها می توانند فرصت های مشارکت همگانی را در راستای نظارت، کنترل بر فرایندهای دولتی را ایجاد نمایند و کاربران به عنوان ناظران بیرون از دولت عمل نمایند و با توجه به ویژگی های منحصر به فردی که دارند، به بستری برای مطالبه گری و اعتراض شهروندان تبدیل شوند.

## ۲. افق های پیش روی افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی

در بخش قبل به آسیب ها این حوزه پرداختیم، در این بخش به افق های پیش روی افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی می پردازیم.

### ۲-۱. سهولت دسترسی به شبکه های اجتماعی

سهولت دسترسی به شبکه های اجتماعی مجازی برای افشاگران فرایند طولانی، پیچیده و طاقت فرسا را از میان بر می دارد. در گذشته افشاگر برای رساندن اطلاعات جرایم و مفاسد با مشکلات زیادی روبرو بود. در این فرایند امکان داشت، افشاگر اطلاعات را به دست اشخاصی برساند که نسبت به پیگیری برای اصلاح اهتمام نداشته باشند، اما شبکه های اجتماعی مجازی این فرایند تسهیل کرده است. افشاگر می تواند در اسرع وقت، اطلاعات را به راحتی در اختیار نهادها و افراد ذی ربط قرار دهد.

### ۲-۲. گسترش فرهنگ افشاگری

شبکه های اجتماعی مجازی، محل تجمع افرادی با گرایش های مختلف می باشد. این شبکه ها باعث افزایش تعاملات بین کاربران می شود. این شبکه ها امکان اظهار نظر و تعاملات محتوایی را فراهم کرده است. این قابلیت که یک کاربر بتواند نظرات خود را بیان کند باعث ایجاد خرده فرهنگ هایی در بین اعضا یک شبکه اجتماعی می شود. بنابراین زمانی که یک فرد در این شبکه های

<sup>۱</sup> در قرن بیست و یکم دو نفر از افشاگران نسل دوم به نامان ادوارد اسنودن و کرسٹوفر ویلی به عنوان دو نمونه برجسته افشاگرانی که از رسانه ها و شبکه های اجتماعی استفاده نمودند یاد می شود. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Moretti, A. (2014). Whistleblower or traitor: Edward Snowden, Daniel Ellsberg and the power of media celebrity. *Global Media Journal*, 1-16.

Olesen, T. (2019). The politics of whistleblowing in digitalized societies. *Politics & Society*, 47(2), 277-297.

<sup>۲</sup> WikiLeaks

اجتماعی به صورت صحیح دست به افشاگری می زند، این رفتار و اقدام با تایید اعضا دیگر همراه شده و باعث ایجاد خرده فرهنگی در راستای افشاگری می شود. بنابراین یکی دیگر از فرصت های که می توان در زمینه افشاگری جرایم توسط شبکه های اجتماعی تصور نمود، نقش رسانه ها در بسیج افکار عمومی است و همچنین نقش این شبکه ها در آموزش ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده و نهادینه کردن آنها در میان آحاد جامعه می باشد که منجر به هم افزایی افکار عمومی برای مبارزه با جرایم و مفسد خواهد شد. از طرفی با افشاگری این جرایم باعث پاسخگویی دولت و در کل حاکمیت در زمینه عملکردهای خود در مبارزه با جرایم اقتصادی خواهد شد. که می توان آن را از ارکان پیشگیری های جامعه مدار محسوب نمود.

### ۳-۲. اثرگذاری بر روی امنیت

در بادی امر اینگونه به نظر می رسد که شبکه های اجتماعی مجازی تاثیر منفی بر روی امنیت داشته باشند، البته نباید از نظر دور داشت که در صورت کژکارکردی آن امکان اختلال در امنیت عمومی متصور می باشد. امنیت از یک سو به طور سنتی در رابطه با تهدید و آسیب پذیری در ارتباط است و از طرف دیگر با وجود امکانات مقابله ای نیز درک می شود. بنابراین در صورتی که امکانات مقابله ای بیشتر از آسیب ها و تهدیدات باشد، امنیت برقرار خواهد شد. در غیر این صورت اگر خطر تهدید بیشتر از امکانات مقابله ای باشد، امنیت از میان خواهد رفت (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۲). شبکه های اجتماعی می توانند در صورت هدایت در مسیر صحیح باعث ارتقاء امنیت گردند. از آنجایی که بیان گردید افشاگری کارکردهای پیشگیرانه نسبت به جرایم و مفسد دارد، در صورتی که این اتفاق در شبکه های اجتماعی مجازی به درستی انجام گیرد می تواند نسبت به طیف وسیعی از جرایم و مفسد جنبه بازدارندگی داشته باشد. پیامدهای بازدارندگی افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی می تواند در حوزه ارتقا امنیت نقش بسزایی داشته باشد.

### ۴-۲. کمک به گردش آزاد اطلاعات

یکی دیگر از فرصت های افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی، کمک به گردش آزاد اطلاعات است. یکی از ملزومات نظارت بر سازمان ها و دولت، در دسترس بودن و قابل درک بودن اطلاعات برای عموم مردم می باشد. زمانی که اطلاعات به صورت شفاف در اختیار مردم و مبارزان با فساد قرار می گیرد، افشاگران به اطلاعات دسترسی پیدا نمود و با بررسی مغایرت رفتارهای غیرقانونی با اطلاعات جرایم و مفسد را به عموم مردم و نهادها متولی مبارزه با جرایم گزارش می کنند.

### ۵-۲. ارتقاء ضریب تحقق اصل شفافیت

تا مدت های طولانی، زندگی سیاسی و اداری تحت حاکمیت مطلق رازداری بود و شفافیت یک استثناء محسوب می شد. امروزه با تغییر الگو، دموکراسی علیه رازداری شکل و بنیان گرفته و محرمانگی به استثناء و شفافیت به اصل تبدیل شده است. اصل شفافیت دارای منشا دیرینه و البته متنوع می باشد، اما خاستگاه فلسفی آن به اندیشه های در تقابل با خودکامگی و دولت راز عصر روشنگری باز می گردد. این مفهوم بین فیلسوفان این دوره به صورت غیر مستقیم و تحت مفاهیمی چون عمومی، علنی، افکار عمومی یا حقیقت طرح گردید. در این راستا منتسکیو جامعه ای را ترسیم می کرد که در آن هیچ منطقه برتری برای حاکم متصور نباشد. هابرماس نیز در ادامه تفکر کانتی مبنی بر شفافیت عنصر اساسی سازوکارهای کنترل دموکراتیک را قبول داشت. رویه محرمانگی را در راستای بقای قدرت مبتنی بر خودکامگی تفسیر می کرد. کانت اعتقاد داشت که کارکرد شفافیت تضمین این نکته است که سیاست در برابر حقوق به زانو نشیند (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۰). در حقیقت درجه شفافیت سازمان یا دولتی بستگی به این دارد که



شهروندان چقدر به اطلاعات دسترسی دارند. شفافیت در اندیشه پدیدآورندگان سازمان بین المللی شفافیت<sup>۱</sup>، مولفه ای است که دولت ها، سازمان ها و شرکت ها و حتی افراد در افشای واضح و بدون روتوش اطلاعات، قوانین، رویکردها، روندها و عملکردها به صورت باز عمل کنند. به عنوان یک اصل، مقامات دولتی، کارکنان، مدیران شرکت ها و سازمان ها وظیفه دارند برای ارتقای مشارکت و تحقق پاسخگویی، به صورت روشن، قابل پیش بینی و قابل فهم عمل نمایند و به اشخاص دیگر اجازه دهند تا اقدام های در حال انجام است را به آسانی مشاهده نموده و مورد تحلیل قرار دهند (نرگیان و جمالی، ۱۳۹۶: ۲۱۴). بنابراین، استفاده از شبکه های اجتماعی موجب شده است، اطلاعات بیشتری به آسانی در اختیار گستره زیادی از شهروندان قرار گیرد، دولت ها نیز با تکیه بر فناوری های شبکه های اجتماعی مجازی اطلاعات خود را منتشر می نمایند. در حال حاضر شبکه های اجتماعی مجازی به یکی از بازیگران غیر قابل انکار در حوزه شفافیت تبدیل شده اند. در این خصوص شفافیت باعث رویت پذیری بالا می گردد و افشاگری جرایم را آسان تر می نماید.

### ۳. مصداق یابی آسیب های افشاگری جرایم در شبکه های اجتماعی مجازی

شبکه های اجتماعی مجازی، با اینکه فرصت های قابل توجهی را دارد، در عین حال می تواند آسیب هایی را در حوزه افشاگری داشته باشد. در این بخش به تعدادی از این آسیب ها خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱- گمنامی کاربران در شبکه های اجتماعی مجازی

گسترش استفاده از شبکه های اجتماعی و سهولت اشتراک گذاری محتوا، با هویت جعلی یا ناشناس، ممکن است باعث بروز انگیزه های نامطلوب در افشاگر، مانند انتقام جویی، هتک حیثیت افراد و سازمان ها، نقض حریم خصوصی افراد گردد، چنین رفتارهایی از مفهوم افشاگری که برای اصلاح انجام می گیرد، خارج می شود. با فقدان عامل های کنترلی در شبکه های اجتماعی مجازی هنجارگریزی و اظهارات خارج از نظام ارزشی اجتماع رواج می یابد. از سویی دیگر به علت ضعف ساختارهای فنی برای شناسایی کاربران از سوی نهادهای نظارتی، مزید بر علت گردیده است و گمنامی به آسیب جدی تبدیل شده است. ضرورت محرمانگی و پنهان ماندن اطلاعات کاربران در شبکه های اجتماعی، موجب پیدایش الگوهای مختلفی از گمنام سازی شده است. هدف از این گمنام سازی حفظ حریم خصوصی افراد و میزان کیفیت و سودمندی داده های منتشر شده است (کوثری لنگری، سردار، موسوی و رادفر ۱۳۹۸: ۸۸). بنابراین گمنامی کاربران در شبکه های اجتماعی از طرفی باعث امنیت افشاگران در راستای مخفی نگه داشتن هویت خود برای مصون ماندن از اقدام های تلافی جویانه کارفرمایان یا کارمندانی که مرتکب جرم شده و توسط افشاگر مورد تعقیب کیفری قرار گرفته اند می شود، از سویی دیگر این گمنامی می تواند باعث افشاگری هایی گردد که کذب بوده و فرد مرتکب این عمل در راستای ضربه زدن به افرادی در سازمان گردد.

#### ۳-۲- عدم فهم قلمرو حریم خصوصی در شبکه های اجتماعی مجازی

حریم خصوصی، دور ماندن از چشم دیگران، داشتن زندگی خصوصی، خلوت و آرامش و آسایش معنی شده است. این حق ناظر بر رهایی افراد از دخالت های دیگران اعم از شهروندان و قوای دولتی، در اموری که مداخله آنها توجیهی ندارد. به دست آوردن اطلاعات یا تلاش برای این منظور نقض این حق قلمداد می شود. بنابراین حریم خصوصی به محدوده ای از زندگی انسان اطلاق می شود که دیگران حق ورود به آن را ندارند (عباسی، ۱۳۹۹: ۱۱۷). حریم خصوصی از حقوق اساسی انسان ها و مرتبط با حفظ

<sup>۱</sup> [https:// www.transparency.org](https://www.transparency.org)



کرامت انسانی می باشد. بر اساس این حق، یک فرد یا گروه می تواند مسائل خصوصی زندگی خود را خارج از محدوده دسترسی دیگران نگاه داشته و یا مسائل اطلاعاتی مربوط به خود را کنترل نماید. با این وجود امروزه با گسترش ابزارهای فناورانه مانند شبکه های اجتماعی و استفاده آحاد مردم از آن، حق حریم خصوصی و نقض آن در این فضا به یکی از چالش های جدی حقوق بشر تبدیل شده است (هویدا، ۱۳۹۹: ۱۲۷). بر اساس ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل، احدی حق مداخله خودسرانه در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات دیگران را ندارد. هرکس حق دارد در برابر این نوع دخالت ها، مورد حمایت قانون قرار گیرد. بنابراین حفظ حریم خصوصی در شبکه های اجتماعی مجازی از مهم ترین مسائل جامعه امروزی می باشد. با ابتنا براین، افشاگران برای کشف، شناسایی جرایم و مفاسد، مجاز به نقض حریم خصوصی افراد نیستند.

### ۳-۳. بازنشر اخبار جعلی<sup>۱</sup>

از آنجایی که بخش عمده زندگی بشر امروزی صرف تعاملات برخط در شبکه های اجتماعی مجازی می شود، افراد بیشتر از سازمان های خبری سنتی، تمایل بیشتری به کسب خبر از شبکه های اجتماعی از خود نشان می دهند. دو دلیل عمده این تغییر در رفتار مصرف کننده خبر، به ماهیت پلتفرم های امروزی بر می گردد. ۱- کسب اخبار در شبکه های اجتماعی در مقایسه با رسانه های خبری سنتی، به موقع و سریع و کم هزینه است. ۲- اشتراک گذاری، اظهار نظر و شکل گیری گفتگو و مباحثه با سایر کاربران در شبکه های اجتماعی مقدر و آسان است (Shu, Sliva, Wang, Tang, & Liu, 2017: 22). ویژگی های این مشکل اخبار جعلی، می تواند موارد زیر باشد: ۱- اخبار جعلی از روی عمد بوده و قصد فریب و گمراه کردن مخاطبان خود را دارد. ۲- تشخیص اخبار جعلی با توجه به کثرت اخبار انتشار یافته امری سخت می باشد. ۳- محتوای اخبار جعلی از نظر موضوعات، سبک ها و بسترهای رسانه ای متنوع بوده و این اخبار سعی در تحریف واقعیت ها دارند. ۴- اخبار جعلی منتشر شده در شبکه های اجتماعی مجازی تعاملات ناقص، بدون ساختار و پرهیاهو ایجاد می کند (Tang, 2014: 25). بنابراین افشاگری که قصد تشویش اذهان عمومی یا انگیزه تلافی جویانه از کارفرمایان یا کارمندان سازمان را دارد، می تواند با انتشار اخبار جعلی آن هم با هویت گمنام و یا هویت ساختگی به این مهم دست یابد. نکته مهم این موضوع در جایی نمایان می شود که، کاربران شبکه های اجتماعی مجالی برای صحت سنجی اخبار منتشره در شبکه های اجتماعی را ندارند و این ویژگی می تواند بر جهت دهی افکار عمومی بر علیه یک سازمان و یا یک کارفرما مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین باید در زمینه انتشار اخبار جعلی توسط مقنن، قانونگذاری صورت پذیرد و منتشر کنندگان اخبار جعلی مورد تعقیب کیفری قرار گیرند. کما اینکه این موضوع در قوانین عادی ایران جرم انگاری شده و با عنوان هایی مانند توهین و اهانت، افتراء و نشر اکاذیب مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود می توان عنوان دیگری چون انتشار اخبار جعلی در شبکه های اجتماعی را جرم انگاری نمود، تا افراد به بهانه افشاگری نتوانند افکار عمومی را جریحه دار نموده و یا حیثیت افراد را پایمال نمایند.

### ۳-۴. ایجاد هراس اخلاقی اجتماعی

هراس اخلاقی به واکنش های رسانه ای که افکار عمومی و کارگزاران کنترل اجتماعی از انحرافات را تحت تاثیر قرار می دهد اطلاق می شود. در حقیقت هراس اخلاقی فرایند برانگیختن مردم است. زمانی که یک شخص یا گروهی از افراد تهدیدی به ارزش ها و منافع اجتماعی به شمار می روند و رسانه های جمعی با پیش داوری های عجولانه به سراغ آن می روند، هراس اخلاقی برای

<sup>۱</sup> Fake News

جامعه ایجاد می گردد (سعدی پور، ۱۳۹۷، ۱۰۸). همچنین می توان بیان داشت هراس اخلاقی به معنی خلق و جعل مشکلات اجتماعی توسط رسانه ها است، رسانه ها می توانند به سرعت موضوع های کوچک را به صورت چشمگیر و شدید به کاربران ارائه نمایند که در صورت منفی بودن موضوع باعث رنجش عمومی جامعه می گردد. در حقیقت هراس اخلاقی رویکردی ذهن گرایانه مبتنی بر تحریفی است که از واقعیت در ذهن مخاطب رسانه ایجاد می شود ( صباغیان، کوشکی، صفوی و خاکسار، ۱۴۰۰، ۷۳). بر همین اساس از آنجایی که فراگیری شبکه های اجتماعی مجازی در دنیای امروزی بیشتر و گسترده تر از رسانه های تصویری، شنیداری و مکتوب گذشته می باشد و از طرفی اخبار و محتوای بارگذاری شده در این شبکه ها به سرعت برای تعداد کثیری از کاربران قابل مشاهده می باشد، در صورت هدف دار بودن انتشار افشاگری جرایم در شبکه های اجتماعی باعث ایجاد هراس اخلاقی در بین شهروندان خواهد شد و این می تواند برای متولیان اجتماعی به ویژه سیاست گذاران و مجریان کنترل اجتماعی چالش های جدی به وجود آورد.

### ۳-۵. چالش های امنیت اجتماعی

یکی از شروط اصلی حیات سیاسی و اجتماعی جوامع انسانی، ایجاد امنیت می باشد. در طول دهه های گذشته، با پیچیده تر شدن جوامع و فهم گسترده تر از تهدیدها، تعریف امنیت از صورت نظامی فراتر رفته و ساحت های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیزی و سیاسی را هم شامل شده است. در این بین امنیت اجتماعی با بروز گونه های ناامنی اجتماعی مانند درگیری ها و نزاع های قومی، ملی و مذهبی، مهاجرت بی رویه درون مرزی و برون مرزی و ناکارآمدی دولت ها اهمیت مضاعف پیدا کرده است ( سجادی، ۱۴۰۰، ۱۳۰). بنابراین از آنجایی که تخریب مبانی ارزشی و اخلاقی جامعه باعث تزلزل در پایداری امنیت اجتماعی می شود، در صورت انجام بی ضابطه افشاگری جرایم در شبکه های اجتماعی مجازی و با توجه به ویژگی های منحصر به فرد این نوع از رسانه ها، اعتماد عمومی نسبت به دولت ها از بین رفته و این سلب اعتماد باعث کاهش و یا از بین رفتن امنیت اجتماعی در جوامع می گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه گیری

بحث بر سر کارکردهای افشاگری در شبکه های اجتماعی است که یک واقعیت جدید است که باید بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد. افزایش جرایم و مفسد در بین سازمان ها و نهادهای دولتی، باعث کاهش سرمایه های اجتماعی و به طبع آن تزلزل در مشروعیت و مقبولیت حاکمیت ها می باشد. در این میان، نقش افشاگری جرایم و مفسد برای پیشگیری، کشف و شناسایی مرتکبان آنها برجسته شده و از طرفی با همه گیری استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی، این پدیده شکل نوینی به خود گرفته است که در صورت عدم نظام مند سازی افشاگری با در نظر گرفتن ویژگی های منحصر به فرد شبکه های اجتماعی مجازی مانند گمنامی هویت کاربران، تسریع در ارسال محتوا، کثرت مخاطبان در دسترس می تواند آثار زیان باری را برای افراد و دولت ها به وجود آورد.

یافته های پژوهش نشان از آن دارد که شبکه های اجتماعی می توانند با توجه به ویژگی های منحصر به فردی چون امکان گمنامی کاربران، تسریع در ارسال محتوا، کثرت مخاطبان، ارزان بودن و سهولت در دسترسی می تواند آسیب هایی چون گمنامی کاربران در شبکه های اجتماعی مجازی، نقض حریم خصوصی افراد و انتشار اخبار جعلی، ایجاد هراس اخلاقی اجتماعی و چالش های امنیت اجتماعی در این شبکه ها منجر گردد و به افشاگری آسیب وارد نماید. از سویی دیگر این شبکه ها دارای فرصت هایی به منظور بهبود افشاگری در شبکه های اجتماعی فراهم می کند. در صورت نظام مند بودن افشاگری در شبکه های اجتماعی فرصت هایی چون کمک به ارتقا امنیت اجتماعی، کمک به گردش آزاد اطلاعات، ارتقاء اصل شفافیت، نهادینه سازی فرهنگ افشاگری منجر می شود. در پایان باید اذعان داشت که زندگی بشر در حال و در آینده عجین با شبکه های اجتماعی مجازی هست و خواهد بود، بنابراین متولیان اجتماعی در دولت ها باید بدون طرد کلی این شبکه ها نسبت به استفاده بهینه از آنها راهبردهای نوآندیشیده تدوین نمایند. افشاگری در شبکه های اجتماعی به یکی از موضوعات مهم می باشد و می بایست بتوان آن را در مسیر صحیحی قرار داد تا از پیامدهای مثبت آن برای اصلاح امور اجتماعی بهره برداری کرد. بر همین اساس برای ساماندهی به پدیده افشاگری در شبکه های اجتماعی مجازی موارد زیر به عنوان پیشنهاد ارائه می گردد:

1. بهره برداری از شبکه های اجتماعی به عنوان منبعی برای کسب اطلاعات اولیه در مورد جرایم و مفسد.
2. ورود هوشمندانه و جدی مسئولان مبارزه با جرایم و مفسد به شبکه های اجتماعی برای تعامل با کاربران و هدایت آنها.
3. طراحی و بسترسازی کانال های ارتباطی امن بین مردم و نهادهای نظارتی و قضایی در شبکه های اجتماعی داخلی مانند اینستا، روبیکا و سروش.
4. تقنین در حوزه نظام مندسازی افشاگری در شبکه های اجتماعی.
5. جرم انگاری افشاگری جعلی در شبکه های اجتماعی.
6. طراحی زیرساخت های امن و قابل شناسایی برای احراز هویت کاربران در شبکه های اجتماعی.

## منابع

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۵). «اعلام و افشای جرایم اقتصادی»، همایش ملی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی، چالش‌ها و راهکارها، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق. ص ۱۰.
۲. احدی، فاطمه، تیموری، مهرداد. (۱۴۰۱). «واکاوری ساختار پلیس فتا در رویکرد نظریه جرم شناسی رئالیسم چپ گرا»، فصلنامه مطالعات حقوقی فضای مجازی، (۱)، ۴۴-۵۸.
۳. بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
۴. پورقهرمانی، بابک، قادری، رضا. (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی ارزیابی ادله الکترونیکی در نظام عدالت کیفری ایران و چین»، فصلنامه مطالعات حقوقی فضای مجازی، (۱)، ۷۴-۵۹.
۵. سجادی، حمید. (۱۴۰۰). «بازخوانی انتقادی متون امنیت اجتماعی با رویکرد اسلامی»، فصلنامه سیاست متعالیه، ۹(۳۳)، صص ۱۲۷-۱۴۶.
۶. سعدی پور، اسماعیل. (۱۳۹۷). «هراس اخلاقی در دنیای مدرن: بررسی رابطه تعهد مذهبی و پایگاه اجتماعی اقتصادی با هراس اخلاقی»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۷(۹)، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۷. صباغیان، علی، کوشکی، محمدصادق، صفوی، حمزه، خاکسار، علی محمد. (۱۴۰۰). «پیامدهای اسلام هراسی برای زنان مسلمان بریتانیا بر اساس نظریه هراس اخلاقی»، نشریه علمی زن و فرهنگ، ۱۲(۴۸)، صص ۶۹-۸۲.
۸. صبوری، ضیال‌الدین، سیمبر، رضا. (۱۳۹۶). «شبکه‌های اجتماعی و تاثیرگذار بر نقش دولت‌ها در روابط بین الملل (مطالعه موردی دولت‌های خاورمیانه)»، فصلنامه انجمن ایرانی فرهنگی و ارتباطات، ۱۳(۴۸)، پاییز، صص ۱۹۵-۲۱۲.
۹. عاملی، سعیدرضا. (۱۳۹۶). اینترنت و دوفضایی شدن علوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۰. عباسی، عاطفه. (۱۳۹۹). «گستره حریم خصوصی بیمار در فضای مجازی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۴(۵۴)، ۱۱۵-۱۳۰.
۱۱. فتحی، حجت‌الله. (۱۴۰۱). «عدم توازن مجازات جرایم سایبری با برخی از مجازات‌های جرایم سنتی همجنس»، فصلنامه مطالعات حقوقی فضای مجازی، (۱)، ۱-۱۵.
۱۲. کوثری لنگری، روح‌الله، سردار، سهیلا، موسوی، سیدعبدالله امین، رادفر، رضا. (۱۳۹۸). «مدلی برای انتشار داده‌های شبکه‌های اجتماعی بر خط با حفظ حریم خصوصی»، فصلنامه مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند، ۸(۲۹)، ۸۷-۱۱۲.
۱۳. گنجعلیخانی، سید محمد امیر، کمالی، یحیی، شیخ زاده جوشانی، صدیقه. (۱۴۰۱). «مقایسه نقش و چالش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در افشای موارد فساد در ایران و سوئد»، فصلنامه نظارت و بازرسی، ۱۶(۶۱)، صص ۱۳۹-۱۶۶.
۱۴. محسنی، فرید. (۱۴۰۰). «پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۵(۱۱۶)، ۲۵۷-۲۸۲.
۱۵. محمودی، محسن، صادقی، سالار. (۱۴۰۱). «متاورس و تاثیر آن بر سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات حقوقی فضای مجازی، (۲)، ۶۲-۴۴.
۱۶. ملکوتی، رسول. (۱۴۰۱). «بررسی ارکان تحقق مسئولیت مدنی در فضای سایبر»، فصلنامه مطالعات حقوقی فضای مجازی، (۳)، ۶۹-۷۹.
۱۷. میمنت‌آبادی، قباد، تاجیک اسماعیلی، سمیه. (۱۴۰۰). «رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با تحول هویت زبانی و فرهنگی در استان کردستان»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۲(۵۴)، ۱۸۳-۲۱۲.

۱۸. نرگسیان، عباس، جمالی، قاسمعلی. (۱۳۹۶). «وضعیت شفافیت در سازمان های حاکمیتی ایران»، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان، صص ۲۰۹-۲۴۳.

۱۹. نواده توپچی، حسین، میرزاده، ایمان. (۱۴۰۱). «تاثیر حقوق بشر در مبارزه با فساد»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۲(۲)، صص ۸۳۵-۸۵۶.

۲۰. هویدا، ابراهیم. (۱۳۹۹). «مطالعه حریم خصوصی در ارتباطات الکترونیک ثبت احوال»، فصلنامه پژوهشنامه اورمزد، ۵۳(۵)، ۱۲۶-۱۵۱.

21. Agrikola, T., Couteau, G., & Maier, S. (2023). Anonymous whistleblowing over authenticated channels. In *Theory of Cryptography: 20th International Conference, TCC 2022, Chicago, IL, USA, November 7–10, 2022, Proceedings, Part II* (pp. 685-714). Cham: Springer Nature Switzerland.

22. Appel, G., Grewal, L., Hadi, R., & Stephen, A. T. (2020). The future of social media in marketing. *Journal of the Academy of Marketing science*, 48(1), 79-95.

23. Baltaci, A. & Balci, A. (2017). Reasons for Whistleblowing: A Qualitative Study. *Eğitim Beckett, C.* (2012) *WikiLeaks. News in the Networked Era.* Cambridge: Polity.

24. Bernier P. (2012). Whistleblowing. In L. Côté, J.-F. Savard (Eds.). *Encyclopedic Dictionary of Public Administration.*

25. Bilimleri Araştırmaları Dergisi – Journal of Educational Sciences Research, 7(1), 37-51.

26. Dasgupta, S., & Kesharwani, A. (2010). Whistleblowing: A survey of literature. *The IUP Journal of Corporate Governance*, 9(4), 57-70.

27. DI SALVO (2014). Networked and Technological Paradigms of Digital Whistleblowing. *A Matter of Design. Making Society Through Science and Technology*, 583-594.

28. Farrell, D., & Petersen, J. C. (1982). Patterns of political behavior in organization. *Academy of Management Review*, 7(3), 403-412.

29. Ismail, M., & Aamar, O. (2019). Unauthorized access crime in Jordanian law (comparative study). *Digital Investigation*, 28, 104-111.

30. Janis, I. L., & Mann, L. (1977). *Decision Making.* Free Press, New York.

31. Lai, L. S., & Turban, E. (2008). Group's formation and operations in the Web 2.0 environment and social networks. *Group Decision and negotiation*, 17, 387-402.

32. Moretti, A. (2014). Whistleblower or traitor: Edward Snowden, Daniel Ellsberg and the power of media celebrity. *Global Media Journal*, 1-16.

33. Mueller, M. L. (2020). Against sovereignty in cyberspace. *International Studies Review*, 22(4), 779-801.

34. Near, J. P., & Miceli, M. P. (1985). Organizational dissidence: The case of whistle-blowing. *Journal of business ethics*, 4, 1-16.

35. Olanrewaju, A. S. T., Hossain, M. A., Whiteside, N., & Mercieca, P. (2020). Social media and entrepreneurship research: A literature review. *International Journal of Information Management*, 50(2), 90-110.

36. Olesen, T. (2019). The politics of whistleblowing in digitalized societies. *Politics & Society*, 47(2), 277-297.

37. Park, H., & Blenkinsopp, J. (2009). Whistleblowing as planned behavior—A survey of South Korean police officers. *Journal of business ethics*, 85, 545-556.

38. Popielec, D. (2019). From Edward Snowden to Christopher Wylie—the face of the second generation whistleblowing. *Zeszyty Prasoznawcze*, (3 (329)), 39-51.

39. Robinson, S. N., Robertson, J. C., & Curtis, M. B. (2012). The effects of contextual and wrongdoing attributes on organizational employees' whistleblowing intentions following fraud. *Journal of business ethics*, 106, 213-227.



40. Shu, K., Sliva, A., Wang, S., Tang, J., & Liu, H. (2017). Fake news detection on social media: A data mining perspective. *ACM SIGKDD explorations newsletter*, 19(1), 22-36.
41. Tang, J., Chang, Y., & Liu, H. (2014). Mining social media with social theories: a survey. *ACM Sigkdd Explorations Newsletter*, 15(2), 20-29.
42. Touchton, M. R., Klofstad, C. A., West, J. P., & Uscinski, J. E. (2020). Whistleblowing or leaking? Public opinion toward Assange, Manning, and Snowden. *Research & politics*, 7(1), 1-9.
43. Vandekerckhove W. (2012). Whistleblowing and Organizational Social Responsibility: A Global Assessment. Chippenham.
44. Weinstein, D. (1979). Bureaucratic Opposition (Pergamon Press, New York).
45. Wozir, F. M., & Yurtkoru, E. S. (2017). Organizational culture and intentions towards types of whistleblowing: the case of Turkey and Ethiopia. *Research Journal of Business and Management*, 4(4), 527-53<sup>۹</sup>.



شپروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی